

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: جیمز پتراس-James Petras

برگردان از: حمید محوی

۰۳ اپریل ۲۰۱۲

اتحاد سه جانبه علیه سوریه



James Petras

در حالی که اراده جبهه رسانه ها در بازمانی وضعیت جنگ در سوریه به اساس نسخه رویدادها به روایت ناتو تمایل دارد، واقعیت مستند در محل کاملاً متفاوت است. برای پروفیسور جیمز پتراس، جنگ داخلی در سوریه وجود خارجی ندارد، بلکه آن چه را که جنگ داخلی نامیده اند، تهاجمی هم آهنگ بوده که توسط اتحاد چند کشور با یک دیگر و به شکل بین المللی صورت گرفته است. دولت سوریه اعتراضات صلح آمیز مردم را سرکوب نکرده بلکه علیه گروه های مسلح و مزدور القاعده مبارزه می کند. (شبکه ولتر)

ابراز خشم سیاست مداران غربی، دولت های خلیج و به همین گونه رسانه ها در رابطه با «کشتار شهروندان سوریه در تظاهرات صلح آمیز علیه بی عدالتی» به شکل شرم آوری ساخته و پرداخته شده است و تا فتح خشونت بار محله ها، روستاها و شهرهایی را پوشش دهد که توسط گروه های مسلح با تفنگ های تهاجمی و بمب گذاری در جاده ها به کاشتن بذر وحشت اشتغال دارند.

تهاجم علیه سوریه به پشتیبانی صندوق های مالی، سلاح و سازماندهی خارجی انجام گرفته است. چنین تهاجمی به دلیل نبود پشتیبانی داخلی در کشور، و تضمین موفقیت عملیات انجام گرفته، در هر صورت به مداخله نظامی مستقیم از خارج نیاز خواهد داشت. در نتیجه در چنین چشم اندازی بود که اردوی دیپلماتیک عظیمی از تبلیغات برای ابلیس

نمائی دولت قانونی سوریه راه اندازی شد. هدف از این تهاجمات، تحمیل یک رژیم دست نشانده است که بتواند کنترل امپراتوری غرب را در خاورمیانه تقویت کند. در کوتاه مدت، چنین طرحی ایران را به انزوا کشانده و حمله از سوی اسرائیل و ایالات متحده را تدارک خواهد دید، و در دراز مدت، دوباره یک دولت مدنی مستقل و نزدیک به چین و روسیه را سرنگون خواهد ساخت.

پشت پرده این حرکات زورگویانه از جانب کشورهای غربی، اسرائیل و دولت های خلیج، به هدف بسیج افکار عمومی در جهان، چند «استراتاژم» تبلیغاتی به کار برده شد تا یک بار دیگر تجاوز آشکار به کشوری مستقل، در ادامه تخریب موفقیت آمیز دولت های مدنی عراق و لیبیا، قانونی جلوه کند.

وضعیت عمومی : خشونت زنجیره ای



برنارد هانری لوی به هم راهی لوران فابیوس و برنارد کوشنر، به شکل پی در پی جایگزین و جایگزین احتمالی وزیر امور خارجه فرانسه آلن ژوپه، در میتینگی برای «دموکراسی» در سوریه به تاریخ ۴ جولای ۲۰۱۱ شرکت داشتند. غیبت، رهبر سانتریست ها، فرانسوا بایرو پیغام خاصی داشت. لابی گرای فرانسوی، فرانسوا بایرو به همین مناسبت برای «دموکراسی» در سوریه، در مقابل جمعی که که مسئول حزب اکولوژیست ها، سسیل دوفلو نیز در آن حضور داشت، به اساس الگوی لیبیا قول داده بود.

اردوی کنونی غرب علیه دولت مستقل اسد را باید به مثابه تهاجمات زنجیره ای علیه جنبش های دموکراسی خواه و رژیم های مستقل در تمام افریقای شمالی تا خلیج فارس تلقی کنیم. پاسخ امپراتوری به جنبش دموکراتیک مصر که دیکتاتوری مبارک را سرنگون ساخت، پشتیبانی از حاکمیت شورای نظامی بود، و چنین امری نیز با کشتار و زندان و شکنجه هم راه شد و بیش از ۱۰۰۰۰ تظاهر کننده به قتل رسیدند.

در پاسخ به جنبش های دموکراسی خواه مشابه به آنهایی که در جهان عرب روی داده بود، دیکتاتورهای مستبد خلیج به پشتیبانی غرب قیام بحرین، یمن و عربستان سعودی را سرکوب کردند. این خشونت تا دولت مدنی لیبیا تداوم یافت، و قدرت های عضو ناتو بمباران هوا دریای گسترده ای را برای پشتیبانی از گروه های مزدور مسلح را به اجرا گذاشتند که در تخریب اقتصاد و جامعه لیبیا شرکت داشتند. طغیان گروه های تبهکار مسلح موجب غارت

مناطق شهری و تخریب مناطق روستائی شد. نیروهای ناتو دولت مدنی قذافی را سرنگون کردند و خود قذافی را به شکل فجیعی، زیر شکنجه به دست مزدوران کشتند. ده ها هزار کارمند، شهروند و طرفدار قذافی زندانی و شکنجه شدند و به قتل رسیدند، و تمام این موارد تحت نظارت ناتو انجام گرفت. ناتو رژیم دست نشانده اش را وقتی که علیه گروه های لیبیائی و کارگران مهاجر افریقای سیاه، یعنی گروه هائی که تا پیش از این از مزایای عمومی و اجتماعی در رژیم قذافی برخوردار بودند، برنامه خونینش را به اجرا گذاشت، مورد پشتیبانی خود قرار داد.



واقعیت آزادی برای لیبیا به هم کاری ناتو و مدافعان حقوق بشر

سیاست امپراتوری «تخریب کن حکومت کن» به الگویی برای سوریه تبدیل شد : ایجاد شرایط شورش توده نی تحت رهبری مسلمانان اصول گرا، که از سوی دولت های خلیج تأمین مالی شده و توسط مزدوران غربی نیز آموزش دیده اند.

راه خونین دمشق به تهران



وزیر امور خارجه کلینتن به همراهی هم کاران امور خارجه شیخ عبدالله بن راوید آل نهیان از امارات متحده عربی، ویلیام هاگ از انگلستان و احمد داوود اغلو از ترکیه، که در گردهم آیی به مناسبت «دوستان سوریه» روز ۲۴ فبروری ۲۰۱۲ برای «مداخله بشر دوستانه» فراخوان می دهند.

به گفته وزارت دولت «راه تهران از دمشق می گذرد»: هدف راه بردی ناتو نبود کردن متحد اصلی ایران در خاور میانه است. برای رژیم های سلطنتی مستبد خلیج، هدف، جایگزین ساختن جمهوری مدنی توسط یک دیکتاتوری مذهبی خدمتگذار است. برای دولت ترکیه، تعویض رژیم به معنای دولتی فرمانبردار از دستورات سرمایه داری به اساس نسخه اسلامی آنکارا است. برای القاعده و متحدان سلفی و وهابی برقراری رژیمی بر اساس مذهب سنی مطرح می باشد که با حذف سوریه مدنی علوی ها، باید تحقق یابد و مسیحیان نیز به عنوان سکوی پرواز در جهان اسلام مورد استفاده آنها قرار می گیرند. برای اسرائیل نیز سوریه تجزیه شده و به خون نشسته به معنای حاکمیت منطقه ئی او خواهد بود.

چنین امری بدون روشن بینی پیامبرانه نبود که سناتور صهیونیست افراطی امریکائی ژوزف لیبرمن چند روز پس از واقعه ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱ توسط القاعده، حتی پیش از آن که عاملان اصلی شناسائی شده باشند، اعلام کرد: «ابتداء باید به ایران، عراق و سوریه حمله کنیم».

نیروهای نظامی ضد سوریه طیف وسیعی از چشم اندازهای سیاسی متضاد را نمایندگی می کنند که تنها نقطه اتحادشان نفرت از رژیم مدنی، ملی گرا و مستقلی است که طی ده ها سال جامعه پیچیده چند قومیتی سوریه را اداره کرده است.

جنگ علیه سوریه سکوی پرتاب اصلی برای باززائی نظامی گری آینده غرب از افریقای شمالی تا خلیج فارس است، و تماما توسط اردوی تبلیغاتی سازمان یافته پشتیبانی می شود که از مأموریت دموکراتیک، بشر دوستانه و «تمدن ساز» ناتو به نام مردم سوریه حرف می زند(۱).

راه دمشق از دروغ آجر فرش شده است



مبارزان «ارتش سوریه آزاد» که به شکل گسترده از مزدوران و فناتیک هائی که توسط قطر تأمین مالی می شوند، و توسط ترکیه، فرانسه و انگلستان آموزش نظامی می بینند. چنین ارتشی نه اهل سوریه است و نه آزاد.

تحلیل سیاسی و اجتماعی عینی در رابطه با غالب مبارزان مسلح در سوریه هر گونه ادعائی مبنی بر دموکراتیک و آزادیخواهانه بودن چنین شورشی را در این کشور نفی می کند.

جنگجویان اصول گرای مستبد ستون فقرات این شورش را تشکیل می دهند. دولت های خلیج که این اوباش ها را تأمین مالی می کنند خودشان از رژیم های سلطنتی مستبد هستند. و آن غربی که دولت خشونت پیشه مافیائی را بر لیبیا تحمیل کرد به هیچ عنوان نمی تواند مدعی «مداخله بشر دوستانه» باشد.

گروه های مسلح با رخنه در مناطق شهری خانواده ها و گروه های انسانی را به عنوان سپر بلا به گروگان می گیرند و از آن جا علیه نیروهای دولتی دست به حمله می زنند. این گروه های مسلح هزاران شهروند را مجبور می کنند که خانه ها، فروشگاه ها و دفاترشان را ترک کنند، و سپس خودشان از این اماکن به عنوان خط اول جبهه استفاده می کنند.

تخریب محله بابا عمرو در حمص نمونه بارز استفاده از شهروندان به عنوان سپر بالای انسانی توسط گروه های تبهکار مسلح و خوراک برای تبلیغات به هدف ابلیس نمائی دولت سوریه است.

گروه های مزدور مسلح فاقد هر گونه اعتبار ملی نزد توده های مردم سوریه هستند. یکی از قطعات تبلیغاتی شان در قلب لندن واقع شده، به اصطلاح «دیدبان حقوق بشر سوریه» که در هم آهنگی با سرویس های مخفی بریتانیائی فعالیت می کند و کار آنها نیز اختراع داستانهای وحشتناک برای تحریک افکار عمومی و برانگیختن احساسات آنها به نفع مداخله ناتو می باشد.

پادشاهان و امیران دولت های خلیج مبارزان را تأمین مالی می کنند. ترکیه پایگاه نظامی در اختیار آنها می گذارد و ارسال اسلحه و رفت و آمد رهبران به اصطلاح «ارتش سوریه آزاد» را از طریق مناطق مرزی تحت کنترل دارد. ایالات متحده، فرانسه و انگلستان اسلحه می فرستند و آموزش نظامی می دهند و امکانات دیپلماتیک را تدارک می بینند.

جهادبست های اصول گرا که از کشورهای خارجی آمده اند، به انضمام مبارزان القاعده که از لیبیا، عراق و افغانستان به منطقه منتقل شده اند در این جنگ شرکت دارند. ولی «جنگ داخلی» در کار نیست: این جنگ، یک جنگ بین المللی است که سه وجه نامتعارف را در بر می گیرد، امپریالیست های ناتو، دیکتاتورهای دولت های خلیج و اصول گرایان مسلمان، که علیه رژیم ملی گرا، مستقل و مدنی سوریه صف آرائی کرده اند.

منشأ خارجی سلاح ها، امکانات تبلیغاتی و مبارزان مزدور از سایه تاریک طبیعت امپراتوری و «چند ملیتی» این منازعه برمی خیزد. در واقع، قیام خشونت بار علیه دولت سوریه یک اردوی امپریالیستی برای سرنگون سازی یکی از متحدان ایران، روسیه و چین است که باید به تخریب اقتصاد و جامعه سوریه، تجزیه کشور و برپا کردن جنگ های منطقه ئی برای کشتار جمعی اقلیت های علوی و مسیحی و طرفداران جامعه مدنی بینجامد.

تلفات جانی و فرار پناهندگان نتایج خشونت رایگان دولت تشنه به خون نیست. گروه های مسلحی که غرب از آنها دفاع می کند، محله هائی را به شکل تمام و کمال به اشغال خود درآورده، لوله های گاز، راه ها و ساختمان های دولتی را منفجر کرده اند. به دلیل همین حملات، خدمات حیاتی مردم سوریه قطع شد، مانند مدارس، دسترسی به درمان، امنیت، آب، الکتریسیته و حمل و نقل. مسؤولیت «فاجعه انسانی» به عهده دارند همین گروه های مسلح است (یعنی تمام آن مواردی که متحدان امپراتوری و به همین گونه سازمان ملل متحد رسماً به ارتش و نیروهای امنیتی سوریه نسبت داده اند).

نیروهای انتظامی سوریه برای حفظ حاکمیت دولت مدنی سوریه مبارزه می کنند، در حالی که مخالفان ارتش به نام دستور دهندگان خارجی، در واشینگتن، ریاض، تل آویو، آنکارا و لندن، به خشونت دامن می زنند.

نتیجه



طرح اصلاحات قانون اساسی که توسط بشار الاسد به فراندیم واگذار شده بود ۹۰ درصد آرای مردم را به دست آورد. ۵۷ و چهار دهم درصد رأی دهندگان به پای صندوق های رأی رفتند، یعنی ۸ میلیون از سوری ها. این میزان از مشارکت عمومی طی ۶۰ سال گذشته بی سابقه بوده است.

در ماه گذشته فراندیم سازمان یافته توسط رژیم اسد، با حقیر شمردن تهدیدات امپریالیسم غرب و فراخوان به بایکوت تروریست ها، میلیون ها رأی دهنده سوریه را به پای صندوق های رأی آورد. چنین رویدادی به روشنی نشان می دهد که اکثریت سوریه ئی ها خواهان حل صلح آمیز مسائل و در پای میز مذاکره هستند، و خشونت مزدوران را نفی می کنند. «شورای ملی سوریه» با حمایت غرب و «ارتش سوریه آزاد» که توسط ترکیه و دولت های خلیج مسلح شده است، فراخوان روس ها و چینی ها را برای مذاکره نپذیرفته در حالی که دولت اسد آن را پذیرفته است. ناتو و دیکتاتورهای خلیج مهره هایشان را برای پشتیبانی از طرح تعویض رژیم با کار بست شیوه های خشونت آمیز به پیش می برند، یعنی سیاستی که تا کنون موجب مرگ هزاران سوریه ئی شده است. هدف تحریم های اقتصادی ایالات متحده و اتحادیه اروپا در هم شکستن اقتصاد سوریه است و امید آنها براین است که از محرومیت شدید مردم بی نوا در تنگنای زندگی روزمره به آغوش قاتلان خشن خودشان پناه ببرند. تکرار سناریوی لیبیا آن چیزی است که ناتو به عنوان «آزادی» با تخریب اقتصاد، جامعه مدنی و دولت مدنی، به مردم سوریه پیشنهاد می کند.

پیروزی نظامی غرب در سوریه تنها تب نظامی گری را افزایش می دهد. چنین امری غرب، ریاض و اسرائیل را تشویق می کند که جنگ دیگری را در لبنان به راه بیندازند. پس از تخریب سوریه، محور واشینگتن - بروکسل - ریاض - تل آویو به سوی برخورد خونین تری علیه ایران حرکت خواهد کرد.

تخریب اسفناک عراق، و سپس نابودی لیبیا پس از دوران جنگ، تابلوی دهشتناکی را از آن چه در انتظار مردم سوریه است ترسیم می کند: فروپاشی سریع سطح زندگی، تجزیه کشور، تصفیه قومی، فرمانروایی گروه های اصول گرای مذهبی، و نا امنی برای جان و مال در سطح عمومی.

به همان شکل که «چپ» و «طرفداران پیشرفت» چپاول لیبیا را به عنوان «مبارزه انقلابی دموکرات های شورشی» تلقی کردند، و سپس دستهایشان را از خون ریزی خشونت بار قومی علیه لیبیا های افریقائی شستند، از هم اکنون همان شعارها را برای مداخله نظامی علیه سوریه از سر آغاز کرده اند.

همین لیبرال ها، طرفداران پیشرفت، سوسیالیست ها و مارکسیست هائی (۲) که از کافه ها و از دفاترشان در مانهاتان و پاریس، غرب را برای مداخله در «بحران انسانی» فرامی خوانند، در فوران خونینی که وقتی دمشق، حلب و دیگر شهرها زیر بمب های ناتو به زانو درآمدند، جانشین پیروزی مزدورانشان شد، حرفی برای گفتن نخواهند داشت.

Mondialisation.ca, Le 1 avril 2012

مرکز مطالعات جهانی سازی ۱ اپریل ۲۰۱۲

متن اصلی به زبان انگلیسی

Article original en anglais :



[The Bloody Road to Damascus: The Triple Alliance's War on a Sovereign State](#)

- by Prof. James Petras - 2012-03-10

گاهنامه هنر و مبارزه

۲ اپریل ۲۰۱۲

<http://g-honar-v-mobarze.blogfa.com>

پی نوشت مترجم :

(۱) شاید بی مورد نباشد که از همین دیدگاه نشریات انترنتی فارسی زبان را شناسائی کنیم. دست کم تا پیش از تاریخ واقعه ای که «بهار عرب» نامیدند، به دلیل موضع گیری رسانه های ایرانی (همکار با امپریالیسم جهانی) به دلیل تمرکزشان روی جمهوری اسلامی و زیر پرچم مدنیت و به بهانه مبارزه با حکومت مذهبی و غیره... تشخیص خیانت کاری ها و واپس گرائی هایشان اگر چه برای برخی ناشناخته نبود، ولی «بهار عرب» و تطابق موضع گیری هایشان با تبلیغات پوچ و بی اساس ناتو و رسانه های حاکم در غرب امپریالیستی به شکل محرز و آشکار، به مدد سایت های آلترناتیو در سطح بین المللی و تلاش پیشگامان ایرانی که غالبا از بین "کمونیست" ها هستند، نقاب از چهره این سایت ها و افراد برداشت و ماهیت اصلی آنها را نشان داد. البته مزدوران امپریالیست در زمینه رسانه های نوین نمی توانستند کار دیگری انجام دهند، و باید در باتلاق تبنانی توطئه آمیزشان فرو می رفتند، و باید تا پایان، به بلبل زبانی هایشان ادامه می دادند، تا جایی که دوشا دوش القاعده و سلفی ها و

وهابی ها و سلطان عمان و شیخ قطری و آل نهیان و الهه مرگ هیلری کلینتن مدعی دموکراسی و لائیسیته می شدند.

از دیدگاه من : سایت های ایران امروز، عصر نو، اخبار روز، رنگین کمان، گزارشگران بدون مرز، گزارشگران، کمونیست های کارگری، ایران فردا، رادیو ار اف ای بخش فارسی، شهروند، سایت های مجاهدین خلق و سلطنت طلبان و خیل سایت های وابسته به جدائی طلبان کرد و عرب و غیره. تمام سایت ها و وبلاگ های حقوق بشری که مشخصا یک پای تبلیغات برای تمام جنگ های جنایتکارانه و نقض حقوق انسان ها در جهان بوده و هستند. نامبرده ها تماما به همین طرح تبلیغاتی برای پشتیبانی از ستراتیژی نظامی ایالات متحده و ناتو تعلق دارند. این فهرست از **سایت های ناتوی ایرانی** را می توانیم در آینده تکمیل کنیم.

۲) در این جا با شگفتی می بینم که نویسنده از مارکسیست ها حرف می زند و مدعی می شود که گویا آنها (مارکسیست ها) نیز خواهان مداخله غرب در سوریه هستند. احتمالا باید هزار و یک نوع مارکسیست داشته باشیم. خیلی جالب خواهد بود که ما این به اصطلاح مارکسیست ها را بشناسیم و مشخصا بدانیم که چه می گویند. ولی من فکر می کنم که در اینجا ابهامات بسیار حساسی وجود دارد. مارکسیست ها هرگز نمی توانند دچار چنین تعبیر ابلهانه ای بشوند.